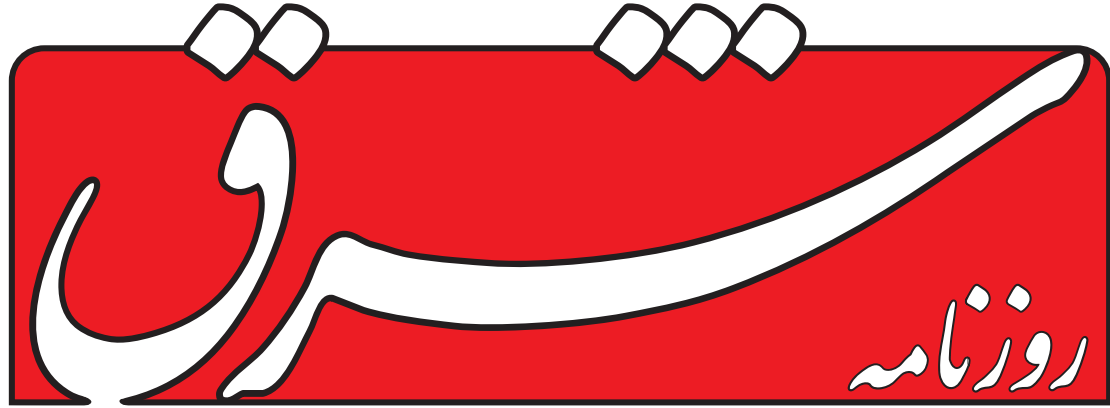




کیومرث اشرفیان

مهم‌تر از رفع فیلتر، «بحران تعلل» در نظام تصمیم‌گیری است. یکی از مهم‌ترین عوامل قدرت دولت‌ها میزان توانایی آنها در تصمیم‌گیری است. رفع فیلتر «واتس‌آپ» و «گوگل‌پلی» از ابعاد گوناگونی عبرت‌آموز است و نشان از وجود «بحران تعلل» در ساختار تصمیم‌گیری کشور دارد. فیلترکردن «گوگل‌پلی» اتچنان بی‌معناست که به قول طنزپرداز، «مقل ویژه‌ای» می‌خواهد. شاید آسان‌ترین تصمیم در فضای مجازی رفع فیلتر از این دو «اپلیکیشن» بود. چنین تصمیمی اما در تودرتویی نهادی در نظام تصمیم‌گیری پیچیده شده است و چه پیچ‌وتاب‌ها که نمی‌خورد، چه قیل و قال‌ها که نمی‌آفریند و چه رخ‌ها و مشقت‌ها که بار نمی‌کند. «هر مشکلی آسان شود از پرتو تصمیم/ اشکال در این است که تصمیم نداریم» (فرخی). حال، چنین سیستمی در امسوری همچون FATF، روابط خارجی، مذاکرات هسته‌ای، بحران آب، ناترازی انرژی و... چگونه می‌تواند تصمیم بگیرد؟ جالب‌تر از همه نامه نظلم‌خواهی نمایندگان مجلس است که از شورای دیگری استدعا دارند که در مصوبه خود ملاحظاتی را رعایت کند. این از پدیده‌های عجیب نظام‌های تصمیم‌گیری است که نهادی که در قانون اساسی حق انحصاری قانون‌گذاری دارد، این چنین بی‌وجه شده باشد. حقیقت این است که افراد در نهادهای تصمیم‌گیری از حداقل عقل متعارف برخوردارند و می‌دانند که فیلترینگ بی‌فایده است اما مسئله این است که آنان در تله موقعیت خود گرفتارند. برخی (بلکه بسیاری) از آنان نگران‌اند که جایگاه ویژه خود را در میان یک گروه اندک از دست بدهند، از این رو دم بر نمی‌آورند. کسر در پای دارند و عزم تصمیم نمی‌کنند. یک گروه اندک بر سر گردنه‌های خاصی از نردبان قدرت ایستاده‌اند که هر لحظه می‌توانند مانع «بالارفتن» از پلکان قدرت و منزلت و ثروت باشند. از این روست که تصمیم‌گیری در امور ساده در کشور به شدت پیچیده می‌شود؛ چون منافع یا منزلت تصمیم‌گیران به مویی بند است. این در حالی است که تصمیم‌گیری برای برخی موارد در فاصله فقط چند ماه و پس از آن صورت می‌گیرد که بی‌اعتباری حیثیت بین‌المللی کشور در افکار عمومی بین‌المللی به اوج می‌رسد. سطوح بالاتر در امر اصلاح آن ندارند؛ گویی خود نیز به تسخیر درآمده‌اند. این تعارض در نظام تصمیم‌گیری زوایای پنهانی دارد که درباره آن حتی در محافل خصوصی حکومتی نیز حساسیتی بر نمی‌انگیزد. نماد دیگری از فشار حلقه‌ها بر تصمیم‌گیری مراجع و گمراه‌کردن نظام تصمیم‌گیری آن‌گاه بود که برخی از بزرگان را به صدور فتوا بر ضد تماس تصویری از طریق اپراتور ایرانی ترغیب کردند و شد آنچه دیدیم. نمونه دیگر تعلل و ناتوانی نظام تصمیم‌گیری در بهره‌برداری از فرصت‌هایی است که در سیاست خارجی از دست رفت و دلار را از پنج هزار تومان به ۸۰ هزار تومان رساند. آن‌گاه که ساختارهای سیاسی درون سیستمی از اعتبار و اعتماد به نفس لازم عاری شوند و نتوانند شجاعانه تصمیم بگیرند یا اینکه نتوانند از ترس گروه‌های فشار درون و بیرون حکومت نظر کارشناسی خود را به راحتی ابراز کنند، حکایت همچنان باقی است. حکومت‌ها به اشکال گوناگون به تسخیر درمی‌آیند؛ یا به تسخیر شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ یا گروه‌های فشار از نفوذ نیروهای خارجی یا اینکه در تله وفاداران سینه‌چاک و کم‌دانش خود می‌افتند. وقتی همواره از ظرفیت یک گروه خام استفاده کنید، خود به‌تدریج ناچار از دنباله‌روی از جهالت آنان می‌شوید. «کرت عقل به جهالت شود رفیق/ باش تا دولتت شود به غایت تحمیل». در قطعه‌ای از فیلم کمال‌الملک می‌بینیم که وقتی مظفرالدین شاه برای فرمان مشروطیت اظهار تمایل می‌کند، یکی از درباریان با فریادی اوپاش گونبه می‌گوید: «علیحضرت از این فرمایشات نفرمائید والا من شکم خودم را پاره می‌کنم». این وفاداری وقتی به منافع کره بخورد و در زوروقی از ارزش‌ها یا در غیری از ملاحظاتی امنیتی پیچیده شود، فاجعه‌بارتر می‌شود. دولت در تله حلقه‌هایی از مدعیان می‌افتد و به ناچار و در نهایت مجبور به دنباله‌روی از آنان می‌شود. همان‌که کمترین ارتباطات اجتماعی را دارند یا از آداب معاشرت سیاسی و اجتماعی کم‌بهره‌اند یا در حصار تحلیل‌های امنیتی گرفتارند. گوش سپردن به اینان جز آسیب‌پذیری سیاسی سرنجامی ندارد و البته متأسفانه هیچ‌گاه نیز توان فهم پیامدهای کارهای خویش را ندارند و هیچ‌گاه نیز مسئولیت‌پذیر نیستند و همیشه شکست‌های خود را بر گردن دیگران می‌اندازند. از این رو هیچ‌گاه نمی‌توانید آنان را متقاعد کنید. حکومت‌ها باید مراقبت کنند که نظام تصمیم‌گیری به تسخیر شماری اندک (از هر قشر و گروهی) درنیابد و این گروه اندک با استثمار قانون و سواستفاده از ابزارهای قانونی همه ارکان تصمیم‌گیری را به تسخیر خود درنیاورند. بر کارشناسان آزاده است که مشفقانه پند و اندرز دهند. نظام تصمیم‌گیری را از هراس بیبهوده از اصلاحات برهاند و مقام امن اصلاح دامن‌ها را به آنان نشان دهند.

یکشنبه ۹ دی ۱۴۰۳
۲۷ جمادی الثانی ۱۴۴۶
۲۹ دسامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۱۲
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



روزنامه



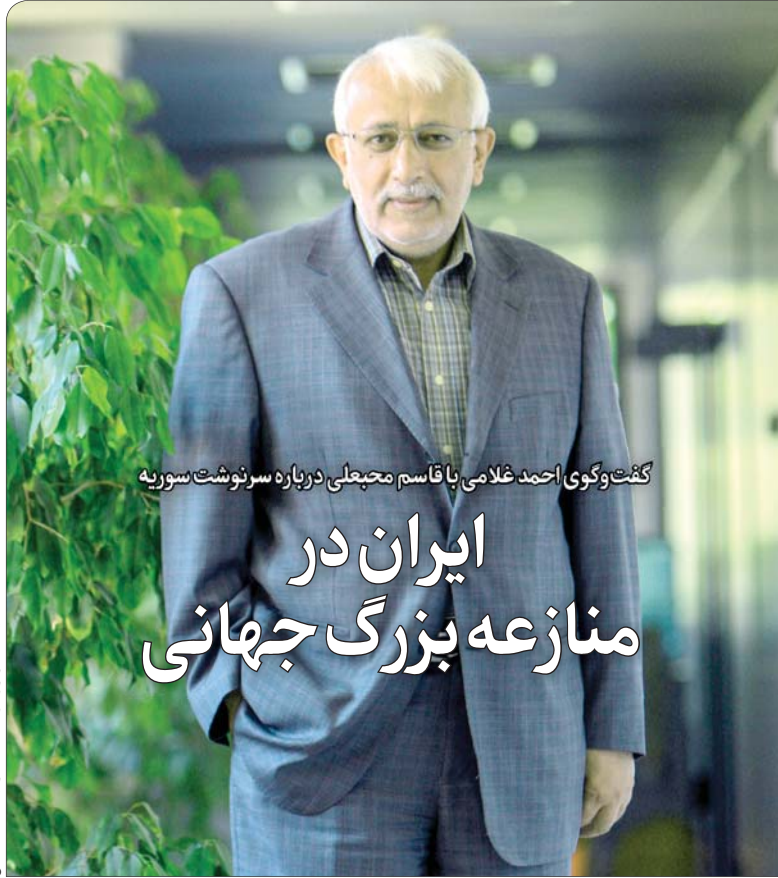
پژشکیان در دیدار اعضای انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها:  
کولبری، سوخت‌بری و ته‌لنجی را به جای فرصت به تهدید تبدیل کرده‌ایم

در «شرق» امروز می‌خوانید: حاشیه‌ای بر «ابطال ناپذیر بودن مصوبات ریاست قوه قضائیه» • گمانه‌زنی درباره استعفای ترودو • حضور چه افرادی در هیئت‌مدیره استقلال قطعی شده است؟

در مراسم رونمایی از «سند مطالعات راهبردی صنعت ساختمان» با طرح «در دسرهای ناشی از مقررات زائد در کاهش ساخت‌وساز» واکاوی شد

# مسکن در تله بوروکراسی

گزارش تینریک را در صفحه ۴ بخوانید



گفت‌وگوی احمد غلامی با قاسم محبعلی درباره سرنوشت سوریه

## ایران در منازعه بزرگ جهانی



آسیب‌شناسی سیاست خارجی در گفت‌وگو با پیرام قاسمی، سخنگوی اسبق وزارت امور خارجه

## به مدیریت تنش با آمریکا اعتقادی ندارم

### برگزیده‌ها

آنفلوآنزای پرندگان در ایران هنوز به انسان منتقل نشده است  
**آنفلوآنزای پرندگان پاندمی جدید دنیا؟**

باقری؛ آقای ناظمی که تاکتیسین شد

عراقچی، وزیر امور خارجه: شراکت راهبردی ایران و چین، آهنگین است



پاسخ آصف بیات به حیرت ساعدی  
**عرصه پنهان بیلکی‌ها**

### نگاه

آیا برق به عدالت قطع می‌شود؟  
یادداشتی از علی اصغر سیدآبادی

### یادداشت

موردکاوی یک پرونده بیمارستانی از منظر فسادستیزی



ناصر ذاکری  
**کارشناس اقتصادی**

هفته گذشته خبری در فضای مجازی منتشر شد که گويا در بیمارستانی در تبریز به بیماران بخش شیمی‌درمانی به جای دارو، آب تزریق کرده‌اند و داروهای گران‌قیمت را در بازار فروخته‌اند. سپس یکی از مسئولان بیمارستان ضمن تکذیب این ماجرا، گفت داروهایی که در بازار عرضه شده، داروهای اهدایی به بیمارستان بوده و فرد مجرم به تلاش مسئولان بیمارستان شناسایی و دستگیر شده است. همچنین او گفته که چهار نفر از کادر بیمارستان در این زمینه بازداشت شده‌اند. در این زمینه نکات زیر ارزش تأمل دارند:

۱- طبعاً این رفتار مجرمانه از یک نفر به تنهایی ساخته نیست و نیاز به همکاری و هماهنگی گروهی دارد. سؤال این است که در یک محیط بیمارستانی که معمولاً کارکنان تحت تأثیر مدیریت هستند، چگونه چنین وظیفه‌شناسی و ابتکارگری دارند، چگونه این چند نفر متخلف توانسته‌اند همدیگر را شناسایی کرده و با جلب اعتماد گروه متخلف را شکل دهند؟ چگونه این ارتباط و سازمان دهی برای مدتی نه‌چندان کوتاه از دید مسئولان نظارتی پنهان مانده است؟ آیا این به آن معنی نیست که در یک‌شدن نهادهای ناظر با پرونده‌هایی از نوع پوشش کارکنان یا تلاش برای تفکیک جنسیتی کارکنان فرصت اندکی برایشان باقی می‌گذارد که به مقوله شکل‌گیری گروه‌های متخلف بپردازند؟

۲- احتمالاً داروهای اهدایی به بیمارستان ثبت‌و ضبط درستی نداشته و مجرمان با علم به این نکته به فکر سواستفاده از فرصت افتاده‌اند. آیا با توجه به ارزش بالای برخی داروها نباید مسئولان به فکر راه‌اندازی یک سیستم انبارداری ویژه باشند تا کسی نتواند از این آب گل‌آلود ماهی بگیرد؟

۳- فرایند تخصیص داروهای گران‌قیمت به بیماران مستمند نیز خودبه‌خود مستعد شکل‌گیری روابط مفسدانه است.

### یادداشت

## کاشفان فروتن نرخ ارز



ابوالفضل کرمايي

ارزش افزوده واقعی رو به کاهش، رخ می‌دهد. ردپای هلدینگ‌های بانکی، مالی و پتروپالایشی خصوصی‌شده که سود خود را از انتقال و بلعیدن ارزش صنایع پایین‌دستی (با سهم پایین‌تری از سرمایه ثابت به نیروی کار) به دست می‌آورند، در متورم‌کردن فرایند ادعا بر ارزش‌های واقعی و محدود اقتصاد ایران بیش‌ازپیش مشخص شده است. هلدینگ‌های مزبور به‌عنوان خالقان پول، قدرت تولید ادعایی نامتناسب با حجم ارزش‌های واقعی اقتصاد را دارند و سوار بر موتور خلق اعتبار، تعادلی سطح پایین را به اقتصاد ایران تحمیل کرده‌اند. این تعادل با مشخصه ضعف پایدار بهره‌وری و افزایش سهم سرمایه‌های پای نامولد (زمین و املاک و...) نسبت به سرمایه مولد در گردش، مقدار تولید محصولات را محدود می‌کنند.

هم‌زمان با مستهلک‌شدن ماشین‌آلات، افزایش سودی که برای سرمایه‌ها (عمدتاً نامولد در قالب زمین و ساختمان و اثبات تجهیزات) طلب می‌شود، در صورتی محقق می‌شود که نقدینگی بالاتری به جامعه تزریق شود و قیمت بازاری محصولات به مقادیری بسیار فراتر از ارزش واقعی که در آنها حک شده، برسد. در واقع تحقق ارزش محصولات (کالا و خدمات) و دارایی‌ها فقط با فروش آنها در قبال دریافت نقدینگی بیشتر ممکن می‌شود. سلطه هم‌زمان مافیای صنعت مالی- بانکی و استفاده از ابزارهای خلق نقدینگی چنین امری را تسهیل می‌کند که البته این نقدینگی می‌تواند ادعا بر ارزش‌های آتی اقتصاد (ارزشی که هنوز تولید نشده است) در قالب ابزارهای بدهی (وراق بدهی) باشد. ۱۲ برابر شدن حجم نقدینگی در دوره ۱۰ساله ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ در شرایطی که رشد تولید (به قیمت ثابت) در این دوره ۱۰ساله تنها حدود ۲۵ درصد بوده، گواهی است بر رشد نامتعرف ادعاها بر ارزش‌های واقعی در قیاس با ارزش‌هایی که واقعا خلق شده است. نگاهی بر تغییرات زیربخش‌های تولید ناخالص داخلی، شکل‌گیری زمینه «پاد ارزش» اقتصاد ایران را به‌روشنی نشان می‌دهد. رشد گروه صنایع و معادن (به قیمت ثابت) در دوره ۱۰ساله مزبور ۲۲ درصد و رشد گروه ساختمان منفی ۲۵ درصد بوده است. این در حالی است که گروه فعالیت‌های مالی و بیمه بیش از ۱۲۵ درصد رشد داشته است. این در شرایطی است که موجودی سرمایه در ۱۰ساله منتهی

پس از اعتراف به بی‌خاصیت‌شدن بازار ارز نیمایی و تبدیل‌شدن نرخ ارز نیمایی به عددی بی‌کارکرد، وزیر اقتصاد بالاخره در مقابل نرخ‌های بازار آزاد ارز سپر انداخت و حتی در محاسبه‌ای بی‌طرفانه و علمی از طریق مبنا قراردادن نرخ ارز سال ۱۴۰۱ و تفریق شاخص قیمت‌های ایران و آمریکا به نرخ ۲۳ هزار تومان برای یک دلار رسید و ثابت کرد وقتی دست نامرئی بازار راه خود را می‌رود، دخالت در بازار ارز و نرخ‌گذاری بی‌فایده است. اتخاذ زست کارشناسی و احترام به مبانی علمی (!) تعیین ارزش پول، در واقع همان رویکردی است که جایگاه بانک مرکزی در حراست از ارزش پول ملی را به موقعیت ناظر خنثی تقلیل می‌دهد که در حال مکاشفه نرخ ارز در بازار است. البته این فرورفتن در نقش کارشناس برای مسئولانی که منتفعان بازار آنها را به گوشه‌ریز رنگ رانده‌اند، شاید یکنه راه ماندگاری باشد. گویا قرار است آشفتگی استلال در رابطه علی‌تورم و نرخ ارز و اینکه بالاخره تورم عامل رشد نرخ ارز است یا شوک‌های ارزی زاینده تورم‌اند، به این نتیجه ختم شود که این دو هم‌زمان بر هم اثر گذارند و در معادلاتی حیرت‌آور در جعبه سیاه اقتصاد ایران، هر روز به بالا می‌خزند و آنچه می‌ماند، جیب‌های خالی و دست‌های خالی‌ت خانوارهای ایرانی است.

رسمیت‌بخشیدن به نرخ‌های ارز کشف‌شده در سامانه ارز تجاری (مزوفقی) هم در واقع تداوم به خواسته منتفعانی است که با نرخ‌های قبلی (۵۳ هزار تومان) حاضر به ورود ارز به سامانه نیما (ورود ارز به کشور) نبوده‌اند، چون ریال امروز را آن‌قدرها هم باارزش نیافته‌اند که مسئولان پولی کشور تصور می‌کنند. در این میان بطنان این ادعا که نرخ ارز بازار آزاد (نزدیک به ۸۰ هزار تومان) به نرخ ارز سامانه نیما (۶۵ هزار تومان) میل خواهد کرد، با نگاهی به بی‌توجهی همیشگی نرخ ارز بازار آزاد به نرخ‌های سامانه‌های قبلی اثبات می‌شود. البته رمز کارایی سامانه جدید این خواهد بود که بی‌محایا به سوی ارز بازار آزاد خواهد شناخت؛ چراکه اگر این‌گونه رفتار کنند، به سرنوشت نوآوری‌های قبلی بانک مرکزی دچار می‌شود. اگرچه این پایان آزمون و خطا و تسلیم‌شدن به قدرت بازار نیز به‌هیچ‌عنوان نشانی از پایان آشفتگی تحلیل بازار ارز در میان مسئولان پولی کشور ندارد. تفکری که نمی‌تواند مسیر کاهش ارزش پول ملی را به‌درستی تحلیل کند، در بهترین حالت منفعلانه بازچه دست مافیایی می‌شود که خواهان متورم‌شدن تصاعدی سود خود هستند. انفعال بانک مرکزی در مقابل سازوکار مالی که بر انباشت سود و متورم‌کردن «پاد ارزش» مبتنی بر بدهی انباشته در ترازنامه بانک‌ها و هلدینگ‌های مالی (در قالب بدهی مشتریان و دولت) استوار است، به قاعده تبدیل‌شده و این امر با توجه به رشد روزافزون بخش مالی ابعاد فاجعه‌باری به خود گرفته است. این موضوع بر بستر مستهلک‌شدن تجهیزات و سرمایه ثابت و اصرار بر استخراج سود بیشتر از

### انتشارات شرق منتشر کرد

